

محدوده اعتبار احکام کیفری خارجی صادره مطابق صلاحیت جهانی در دادگاه‌های ایران

کیومرث کلانتری* - فرشاد شیرزادی فر**

(تاریخ دریافت: ۱/۲۳/۹۴ - تاریخ پذیرش: ۴/۴/۲۲/۹۴)

چکیده

اعتبار حکم محکمه خارجی به معنای حکمی است که توسط محاکم خارجی (اعم از محاکم بین‌المللی و محاکم داخلی کشورها) نسبت به جرم عمومی، به اعتبار صلاحیت جهانی، بنا بر تعارض مثبت صلاحیت صادر شده باشد، اعم از آنکه مبتنی بر محکومیت یا براءت مرتکب باشد. چنانچه در خصوص جرمی صلاحیت جهانی مطرح باشد، ولو اینکه آن جرم مشمول عنوان حد (به‌عنوان مثال محاربه یا افساد فی الارض) باشد، محاکم کشور ما حق رسیدگی مجدد ندارند. لیکن هرگاه مرتکب مبتنی بر اصل صلاحیت جهانی (جرم مشمول عنوان حد) ایرانی باشد، حتی اگر در محکمه خارجی به جرم او رسیدگی شده و مجازات را تحمل کند در صورتی که در ایران یافت شود، با لحاظ صلاحیت شخصی محاکم ایران می‌تواند به جرم او رسیدگی کنند. همچنین مرتکب جرم جهانی می‌تواند برای فرار از مجازات به جهل حکمی خود در برخی جرایم و جهل موضوعی استناد نماید و به نظر می‌رسد اگرچه ظاهراً پذیرش عدم صلاحیت محاکم ایران در خصوص صلاحیت جهانی چنانچه جرم ارتكابی مشمول عنوان حد بوده و فرد در خارج از کشور مجازات را تحمل نموده، با آموزه‌های شرعی نظیر عدم تعطیلی حدود ناسازگار است، ولی با توجه به مصلحت جهانی، می‌توان این مشکل را از طریق توسل به احکام ثانوی حل نمود.

واژگان کلیدی: اعتبار احکام خارجی، دادگاه‌های خارجی، صلاحیت جهانی، رسیدگی مجدد، صلاحیت اضافی.

kalantar@nit.ac.ir

* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

farshadshirzadifar@gmail.com

مقدمه

جرایم جهانی دارای چنان قبجی هستند که تمام کشورهای جامعه بین‌المللی، خود را در قبال این جرایم صالح به رسیدگی می‌دانند تا مبادا مرتکبین این جرایم با فرار از کشور محل ارتکاب جرم از مجازات بگریزند. این امر سبب می‌شود که در قبال جرم واحد کشورهای متعددی برای رسیدگی صالح باشند که در اینجا بحث اعتبار احکام دادگاه‌های خارجی (اعم از دادگاه‌های بین‌المللی و دادگاه‌های داخلی کشورهای دیگر) که به اعتبار صلاحیت جهانی به جرم ارتکابی رسیدگی می‌نمایند در محاکم کشورهای دیگر مطرح می‌شود. یکی از نتایج مهم پذیرش این اصل «قاعده منع مجازات مضاعف» است که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سازمان ملل متحد ۱۹۶۶ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. مطابق این اصل هرگاه فردی در کشور بیگانه به خاطر ارتکاب جرمی مجازات شود، در صورت بازگشت به کشور متبوع خود، نمی‌توان به اعتبار صلاحیت اضافی^۱ مجدداً او را به خاطر همان جرم تعقیب، محاکمه و مجازات نمود.

این مقاله به بررسی اعتبار احکام خارجی صادره مطابق صلاحیت جهانی در ایران پرداخته و در صدد پاسخ به سؤالات مطروحه ذیل است:

- ۱- چنانچه جرم ارتکابی مشمول صلاحیت جهانی در کشور ما مشمول عنوان حد باشد، آیا رسیدگی در خارج از کشور نافی صلاحیت محاکم داخلی کشور ما است؟
 - ۲- اگر شخص ایرانی مرتکب جرم جهانی شود، در صورتی که در محکمه خارجی به جرم او رسیدگی شده و مجازات را تحمل کند، در صورتی که در ایران یافت شود، آیا محاکم ایران می‌توانند با این استدلال که مرتکب جرم شخص ایرانی است، مجدداً به جرم او رسیدگی نمایند؟
 - ۳- آیا مرتکب جرم جهانی می‌توانند برای فرار از مجازات به جهل خود استناد کنند؟
 - ۴- آیا پذیرش احکام خارجی در صلاحیت جهانی برخلاف موازین شرعی است؟
- به سؤالات فوق با لحاظ مقررات حقوقی و موازین فقهی تحت عناوین مفهوم اعتبار احکام کیفری خارجی در صلاحیت جهانی و بررسی **نگاه** حقوق کیفری ایران در خصوص احکام دادگاه کیفری خارجی به شرح ذیل پاسخ داده شد.

۱. گاهی به علت وجود یک عنصر خارجی نظیر تابعیت مرتکب یا مجنی علیه یا به علت اینکه جرم در خاک یک کشور لیکن علیه منافع عالی کشور دیگری صورت گرفته، دو یا چند کشور خود را صالح به رسیدگی بدانند. در صورتی که هریک از کشورهای مرتبط با جرم، خود را صالح به رسیدگی به این جرم بدانند، چند صلاحیت به نفع چند دولت ایجاد می‌گردد که اصطلاحاً تعارض مثبت صلاحیت‌ها نامیده می‌شود (خالقی ۱۳۹۲: ۳۳).



۱- مفهوم اعتبار احکام کیفری خارجی در صلاحیت جهانی

در این مبحث ابتدا به مفهوم اعتبار احکام کیفری که از سوی دادگاه‌های خارجی صادر شده‌اند، پرداخته می‌شود و سپس مطالبی در خصوص دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان اولین مرجع دائمی کیفری بین‌المللی که در سطح جهان ایجاد شده و اینکه مرجع مذکور صلاحیت رسیدگی به چه جرایمی دارد، بیان می‌شود؛ و در آخر به اعتبار احکام بین‌المللی به لحاظ منطبق حقوق جزاء پرداخته شده است.

۱-۱- مفهوم اعتبار احکام صادره از سوی دادگاه‌های خارجی

در معنای حقوقی، اعتبار احکام خارجی در صلاحیت جهانی به معنای آرای است که از محاکم خارجی (اعم از محاکم ملی کشورهای خارجی و محاکم بین‌المللی) چه به صورت قطعی و چه به صورت غیر قطعی بنا بر صلاحیت جهانی صادر شده باشند، در کشورهای دیگر تا چه حد قابل احترام بوده و کشورها به اعتبار این محاکمه از تعقیب، محاکمه و مجازات مجدد مرتکب چشم‌پوشی نمایند.

به عبارت دیگر در تعریف دقیق‌تر از اعتبار احکام خارجی می‌توان گفت: «حکم محکمه خارجی به معنای حکمی است که توسط این محاکم نسبت به جرم عمومی به اعتبار صلاحیت جهانی (بنا بر تعارض مثبت صلاحیت بین دیوان کیفری بین‌المللی و کشورهای عضو)، صادر شده باشد، اعم از آنکه مبتنی بر محکومیت یا براءت مرتکب باشد». (شیرزادی فر ۱۳۹۳: ۵-۶)

در عرصه بین‌المللی اعتبار دادن به احکام کیفری صادره از سوی محاکم خارجی و پذیرش آن نتایجی را به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به قاعده منع تعقیب، محاکمه و از همه مهم‌تر به قاعده منع مجازات مضاعف اشاره کرد. این قاعده تحت عنوان لاتین «non bis in idem» قرار می‌گیرد که در مفهوم بین‌المللی عبارت است از جلوگیری از تعقیب، محاکمه و کیفر متهم در محاکم کشورهای مختلف به لحاظ ارتکاب یک رفتار مجرمانه واحد یا به دلیل ارتکاب یک عنوان مجرمانه خاص (توجهی ۱۳۸۸: ۱۳۵).

در حقوق انگلیس در آثار حقوقدانان در این خصوص آمده است:

«این یک قاعده کلی در حقوق انگلیس است که شخص نباید دو بار به خاطر ارتکاب عمل واحد محاکمه شود، اعم از آنکه در محاکمه نخست تبرئه یا محکوم شده باشد»^۱ (Sally

1. It is a general principle of English law that a person may not be tried twice for the same offence, whether he was acquitted on the first occasion (autrefois acquit) or convicted (autrefois convict).

(Broadbridge 2009: 2).

همچنین بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی مدنی-سیاسی^۱ در این خصوص مقرر می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان به علت جرمی که بر اساس قانون و آیین دادرسی هر کشور به صورت نهایی به ارتکاب آن محکوم شده یا از آن براءت یافته مجدداً مورد محاکمه و مجازات قرار داد». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این ماده به صورت مطلق و صرف‌نظر از اینکه اساساً محاکمه متهم بر اساس کدام‌یک از اصول صلاحیت (اعم از آنکه صلاحیت شخصی یا واقعی یا سرزمینی یا جهانی باشد) اعمال قوانین کیفری صورت می‌گیرد، محاکمه مضاعف را ممنوع اعلام می‌دارد.

۱-۲- دیوان کیفری بین‌المللی و اصل صلاحیت جهانی

دیوان کیفری بین‌المللی، نخستین نهاد دائمی قضایی کیفری در سطح جهانی است که از معاهده دولت‌ها، بر پایه اساسنامه رم نشأت گرفته است. مهم‌ترین اهداف تأسیس این دادگاه عبارت‌اند از: اجرای عدالت همگانی، پایان دادن مصونیت، کمک به پایان دادن منازعات، جبران و رفع نواقص دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت و خاص، انجام محاکمه در صورت عدم تمایل یا عدم توانایی دادگاه‌های کیفری ملی و ایجاد رعب و وحشت نسبت به جنایتکاران جنگی در آینده (آقالارثالث ۱۳۸۵: ۳۸). همانطور که مشاهده می‌شود رسالت اصلی دیوان کیفری بین‌المللی رسیدگی به جرایم جهانی^۲ است. در خصوص قلمروی صلاحیت موضوعی دیوان در ماده ۵ اساسنامه رم^۳ چهار دسته از جرایم کلان که شامل کشتار جمعی (ژنوسید)، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و جرم تجاوز به حیطة صلاحیت رسیدگی دیوان درآمده

۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی (مطابق ۲۵ آذر ۱۳۴۵ شمسی) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، از جهت حقوقی و سیاسی پس از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر دارای بیشترین اهمیت است و در واقع مکمل آن محسوب می‌شود. این میثاق در سال ۱۳۵۱ ه.ش در مجلس شورای ملی سابق به تصویب رسید و در ایران نیز ارزش قانونی پیدا کرده است (کلاتری ۱۳۷۵: ۴۵-۴۶).

۲. مطابق کنوانسیون‌های بین‌المللی برخی جرایم صرف‌نظر از اینکه در کجا ارتکاب یافته‌اند و مرتکب در هر کجا یافت شود مطابق قانون جزای آن کشور تحت تعقیب قرار می‌گیرد. جرایمی نظیر تروریسم، قاچاق مواد مخدر، تجارت و خرید و فروش برده و نسل‌کشی را می‌توان در زمره جرایم بین‌المللی قرار داد (ساوالانی ۱۳۹۱: ۹۷).

۳. ماده ۵ اساسنامه رم در این خصوص مقرر می‌دارد: «صلاحیت قضایی دیوان محدود به خطیرترین جرایمی است که مایه نگرانی کل جامعه بین‌المللی می‌باشد. دیوان بر طبق این اساسنامه در مورد جرایم زیر صلاحیت قضایی دارد»:

- الف- جرم کشتار جمعی
- ب- جرایم علیه بشریت
- پ- جرایم جنگی
- ت- جرم تجاوز.



است.

بر همین مبنا در خصوص اعتبار احکام خارجی، می‌توان آن را به دودسته تقسیم کرد. حکمی که از مراجع داخلی کشورها صادر شده یا از سوی محاکم بین‌المللی صادر شده باشد. به همین اعتبار قاعده منع مجازات مضاعف که از نتایج اعتبار احکام خارجی است، به دو نوع منع تعقیب مجدد تالی و منع تعقیب مجدد عالی تقسیم می‌شود. به موجب قاعده منع تعقیب مجدد تالی، در صورتی که دادگاه کیفری بین‌المللی به اتهام فردی رسیدگی و حکم مقتضی صادر کند، دادگاه‌های ملی مجاز به تعقیب مجدد متهم نسبت به همان عمل نیستند (حیب زاده، ۱۳۹۱: ۳۷۷).

قاعده منع تعقیب مجدد عالی، بدین معناست که هرگاه دادگاه‌های ملی مبادرت به رسیدگی و صدور حکم نسبت به اتهام شخص کردند، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی حق تعقیب مجدد را ندارند (حیب زاده ۱۳۹۱: ۳۷۸). جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ (۱۱ دی ۱۳۷۹). اساسنامه دیوان را امضاء کرد (خلیلیان ۱۳۹۲: ۶)، لیکن هرگز آن را به تصویب سامانه قانون‌گذاری داخلی خود نرسانیده و مدرک تصویب را به دفتر سازمان ملل تسلیم نکرده است، بنابراین مطابق قانون خود^۱ یک کشور عضو دیوان به شمار نخواهد آمد (همان منبع، ۱۸-۱۹). حال آنکه چه دشواری‌ها و موانعی پیش‌روی ایران در تصویب این اساسنامه در مجلس قانون‌گذاری خود بوده، از حوصله این مقاله خارج است. چون مقاله حاضر با توجه به آنکه کشورمان عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیست، بیشتر مترصد بیان حدود اعتبار احکام خارجی صادره از سوی محاکم داخلی کشورها نسبت به جرم ارتكابی (بنا بر صلاحیت جهانی) در کشور ما است.

۱-۳- بررسی محدوده اعتبار احکام دادگاه کیفری خارجی

به نظر می‌رسد در خصوص اعتبار احکام خارجی باید بین حالتی که فرد در دادگاه خارجی محکوم شده (که خود شامل دو فرض اعمال^۲ حکم و عدم اعمال حکم می‌گردد) و حالتی که وی تبرئه شده قائل به تفکیک شد. بنابراین در این بخش ابتدا به تجزیه و تحلیل حالتی پرداخته

۱. طبق ماده ۹ قانون مدنی، معاهدات بین‌المللی در صورت تصویب مجلس مستند به اصل ۷۷ قانون اساسی از اعتبار قانونی برخوردارند (گلدوزیان ۱۳۹۳: ۴۰).

۲. در معنای دقیق کلمه بین اعمال و اجرای مجازات تفاوت است و اعمال دارای معنایی اعم از اجرا است و به لحاظ منطقی بین این دو موضوع رابطه عموم و خصوص مطلق حاکم است. اجرا به معنای عملی مادی و فیزیکی است، ولی اعمال اعم است از آن که حکم به موقع اجراء درآمده باشد یا به دلیل شمول نهادهایی نظیر عفو و آزادی مشروط و تعلیق و مرور زمان ... حکم اعمال شده تلقی گردد.

می‌شود که فرد در دادگاه خارجی محکوم شده و سپس فرض تبرئه شدن فرد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳-۱- اعتبار احکام دادگاه کیفری خارجی در فرض صدور حکم محکومیت

در فرضی که دادگاه خارجی نسبت به جرم ارتكابی اقدام به رسیدگی و صدور حکم محکومیت نموده، در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار این حکم در محاکم داخلی کشورها باید بین دو حالت قائل به تفکیک شد.

فرض اول شامل موردی است که حکم محکمه خارجی علی‌رغم اینکه مبتنی بر محکومیت مرتکب بوده، لیکن به دلایلی نظیر فرار مرتکب جرم به موقع اجرا درنیامده است. در این فرض حکم صادره از سوی دادگاه خارجی مانع از رسیدگی مجدد در کشورهای عضو نیست، چون در این فرض مجازاتی بر فرد اعمال نشده که بر اساس قاعده منع مجازات مضاعف خواستار جلوگیری از محاکمه مجدد شود. همچنین اصولاً احکام کیفری در قلمرو دولتی که این احکام صادر شده، لازم‌الاجرا است و در خارج از آن قدرت اجرایی ندارد. بنابراین مراجع قضایی کشور ثالث، حکم کیفری صادره توسط دادگاه‌های خارجی را اجرا نمی‌کنند. معمولاً مهم‌ترین دلیلی که در توجیه عدم اجرای احکام کیفری خارجی ارائه می‌شود، لزوم حفظ حاکمیت ملی است. همچنین در جوامع متمدن عصر ما با واگذاری حق اعمال مجازات‌ها به دولت، اجرای کیفر نسبت به بزهکاران از جلوه‌های اعمال حق حاکمیت دولت‌ها محسوب می‌شود؛ بنابراین، به کارگیری قواعد دولتی و ابزارهای اجبار کننده برای اجرای تصمیمی که دادگاه‌های یک کشور خارجی اتخاذ نموده‌اند، موجب لطمه به حاکمیت ملی دولت اجرا کننده این تصمیم تلقی می‌شود (خالقی ۱۳۸۳: ۲۶). همچنین به نظر می‌رسد دلیل واضح دیگری که برای عدم اجرای احکام خارجی وجود دارد این است که نهاد اجرای احکام هر کشور تنها مجری اجرای احکام داخلی آن کشور است و هیچ‌گاه خود را موظف نمی‌داند که احکام و فرامین صادره از خارج کشور را اجرا کند. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی ۷/۱۰۳۰۴ - ۷/۲۹ - ۱۳۷۱ مقرر داشته است: «اجرای احکام کیفری خارجی در ایران مجوز قانونی ندارد» (شکری و سیروس ۱۳۸۹: ۳۲). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هرگاه حکم محکمه خارجی اجرا نشده باشد، در حاکمیت کشور دیگر قابلیت اجرایی نخواهد داشت. در این فرض با توجه به عدم اعتبار حکم صادره از سوی محکمه خارجی، کشور محل دستگیری مرتکب جرم، بنا بر اصل صلاحیت جهانی اقدام به رسیدگی و اعمال مجازات بر شخص مرتکب خواهد نمود.

فرض دوم ناظر به موردی است که احکام صادره از سوی دادگاه خارجی اجرا شود که در این صورت وضع فرق می‌کند. چون در صورت عدم اعتبار آن موجبات مجازات مضاعف فراهم می‌شود که نه تنها مخالف عدالت است، بلکه هیچ عقل سلیمی آن را مورد پذیرش قرار نمی‌دهد. به عبارت دیگر در این فرض کشور محل دستگیری مرتکب به اعتبار منفی^۱ اعتبار احکام خارجی از رسیدگی مجدد به جرم خودداری می‌کند.

۱-۳-۲- حدود اعتبار احکام دادگاه کیفری خارجی در فرض صدور حکم برائت

در صورتی که محکمه خارجی اقدام به تعقیب و رسیدگی به اقدام مجرمانه نماید و شخص مرتکب بتواند در خصوص جرم ارتكابی برائت اخذ نماید، محاکم ملی سایر کشورهای عضو در صورت حضور مرتکب در سرزمین آن‌ها باید به حکم صادره از سوی محکمه خارجی در خصوص برائت مرتکب اعتبار داده و از تعقیب و محاکمه مجدد چنین فردی خودداری کنند. بنابراین هرگاه حکم محکمه خارجی مبتنی بر صدور رأی برائت باشد، از اعتبار امر مختوم کیفری برخوردار خواهد بود و دیگر نمی‌شود فرد را به خاطر همان واقعه مجرمانه تحت هر عنوان دیگری مورد تعقیب و محاکمه و مجازات قرار داد؛ مثلاً اگر فرد در خارج از کشور به علت ارتکاب جرم جنگی یا تجاوز تعقیب شود و رأی دادگاه مبتنی بر برائت باشد دیگر محاکم ملی کشورها نمی‌توانند این فرد را به علت همان عمل تحت عنوان دیگر مثلاً جرم محاربه یا هر عنوان دیگری مجدداً تعقیب کنند، چون دادگاه کیفری خارجی به عمل رسیدگی و آن را مشمول هیچ‌یک از عناوین جرم جهانی ندانسته و رأی برائت صادر کرده است.^۲

۱. احکام خارجی دارای دو اعتبار مثبت و منفی می‌باشند. اعتبار مثبت احکام کیفری خارجی، ناظر بر قدرت اجرای مفاد حکم در قلمرو کشور و حاکمیت دیگر است. اعتبار منفی احکام خارجی که ناظر به قضیه محکوم بها است، بدین معنا که حکم کیفری مانع می‌شود که بر مبنای عملی که مورد حکم قرار گرفته مجدداً دعوی عمومی آغاز شود (حسینی نژاد ۱۳۹۱: ۲۱۳). به عبارت دیگر منظور از اعتبار منفی یا سلبی احکام کیفری اثر بازدارنده آن‌هاست؛ زیرا محاکم دولت دوم به اعتبار حکم صادره از سوی محکمه خارجی است که خود را از رسیدگی مجدد و صدور حکم کیفری جدید در مورد عمل مجرمانه موضوع حکم اول منع می‌کند. در حقوق جزای بین‌الملل، کشورها با شناسایی اعتبار منفی احکام خارجی می‌توانند از رسیدگی مجدد خودداری کرده و حکم قبلی صادره، ولو این که از یک محکمه غیر داخلی صادر شده باشد را محترم شمرده و در واقع گستره اعتبار امر مختوم را در جامعه بین‌المللی تسری می‌دهند و آن را محدود و منحصر به نظام کیفری داخلی نمی‌دانند (توجهی ۱۳۸۸: ۱۶۰). اعتبار منفی احکام خارجی در عمل بیش از اعتبار مثبت آن مورد اقبال کشورها قرار می‌گیرد. زیرا وقتی که فرد در کشور محل وقوع عمل مجرمانه محاکمه و مجازات شده و سزای عمل خود را چشیده محکمه دوم با شناسایی اعتبار منفی احکام خارجی باید از رسیدگی مجدد خودداری کند. به همین دلیل است که افکار عمومی هرگز نمی‌پذیرند که متهم به خاطر عمل واحد دو بار محاکمه و مجازات شود.

۲. اما چنین قاعده‌ای در خصوص قرار منع تعقیب رعایت نمی‌گردد. چون اگر دلیل صدور قرار منع تعقیب فقدان دلیل باشد قاعده اعتبار امر مختوم در مورد آن مجرا نخواهد بود مگر آنکه علت صدور قرار منع تعقیب تشخیص دادگاه خارجی مبتنی

۲- بررسی دیدگاه حقوق کیفری ایران در خصوص احکام دادگاه کیفری خارجی

در این مبحث ابتدا به تجزیه و تحلیل نظر حقوقدانان و فقها در خصوص شناسایی اعتبار احکام صادره از سوی محاکم خارجی و سپس به بیان دیدگاه پذیرفته شده قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) پرداخته می‌شود.

۲-۱- نظر حقوقدانان و فقها در خصوص احکام کیفری خارجی

در این مبحث به بررسی نظرات مخالف و موافق در خصوص اعتبار احکام خارجی پرداخته می‌شود. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد، از آنجایی که بحث اعتبار یا عدم احکام کیفری خارجی امری مستحدثه و جدید است، جایگاه چندانی در فقه ندارد؛ اما در عصر حاضر از طرفی با شکل‌گیری کشورها و از سوی دیگر اجتناب‌ناپذیر بودن ارتباط بین کشورها که یکی از بارزترین جلوه‌های این ارتباط احترام به احکام صادره از دادگاه‌های خارجی است، فقها نیز با ورود به این عرصه نظرات مختلفی بیان داشته‌اند که با تدقیق در این نظرات وجود اختلاف در محدوده شناسایی احکام خارجی متجلی می‌شود که در ذیل اهم این نظرات منعکس شده است.

۲-۱-۱- مخالفان اعتبار احکام خارجی

حقوقدانان مخالف اعتبار دادن به احکام خارجی، دلایلی را مطرح کرده‌اند که در ذیل اهم این دلایل مورد اشاره قرار گرفته است.

یکی از اولین استدلال‌های مخالفان در خصوص عدم پذیرش اصل مجازات مضاعف، تاکید بر حاکمیت دولت‌ها و اجرای قوانین داخلی بدون توجه به اعمال قوانین خارجی بر مجرم، به خصوص در دورانی که اصل حاکمیت دولت‌ها و تلاش برای جلوگیری از به مخاطره افتادن کشور، مساله عمده و حیاتی برای هر کشوری است (توجهی ۱۳۸۸: ۲۶). مخالفان معتقدند پذیرش قاعده ممنوعیت مجازات مضاعف در حقیقت نتیجه اثر شناسایی اعتبار سلبی (منفی)^۱ برای احکام کیفری صادره از محاکم خارجی است؛ زیرا محاکم دولت دوم به اعتبار حکم صادره از محکمه خارجی است که خود را از رسیدگی مجدد منع می‌کند. پس اگر دولت و

بر عدم جرم بودن فعل ارتكابی باشد که در این صورت قرار منع تعقیب همچون حکم برائت از اعتبار امر مختوم کیفری برخوردار خواهد بود.

۱. احکام محاکم خارجی دارای دو اعتبار مثبت و منفی است. اعتبار مثبت احکام کیفری خارجی، ناظر بر قدرت اجرای مفاد حکم در قلمرو کشور و حاکمیت دیگر است. منظور از اعتبار منفی یا سلبی اثر بازدارنده این احکام است که مانع رسیدگی مجدد و صدور حکم کیفری جدید در مورد عمل مجرمانه موضوع حکم اول می‌شود (خالقی ۱۳۸۳: ۱۷).

محکمه دوم حکم صادره قبلی را محترم بشمارد دلیلی برای رسیدگی مجدد وجود نخواهد داشت. لیکن اگر حکم صادره قبلی را معتبر نداند اقدام به محاکمه مجدد و متعاقب آن مجازات مضاعف می‌نماید (توجهی ۱۳۸۸: ۲۷). دلیل دیگری که مخالفان مطرح نموده‌اند، عدم اعتماد به دادگاه‌های کشور خارجی در تأمین نظم عمومی داخلی است، بدین معنا که دولت خارجی اساساً در رسیدگی به اتهام مورد بحث، نه به دنبال احیا و برقراری نظم عمومی کشور دیگر است و نه با دادرسی خارجی چنین هدفی تأمین می‌گردد.

فقه‌های مخالف اعتبار احکام خارجی نیز برای عدم اعتبار احکام خارجی استدلال‌هایی ارائه کرده‌اند که در ذیل اهم آن‌ها آمده است. اولین دلیلی که فقها در مخالفت با اعتبار احکام خارجی بیان می‌کنند قاعده نفی سبیل^۱ است. بدین معنا که خداوند هرگز راهی برای کفار نمی‌گذارد که بر مسلمانان مسلط شوند. بنابراین فقها معتقدند که شخص مسلمان نباید در بلاد کفر مجازات و تحقیر شود. دومین دلیل فقه‌های مخالف اعتبار احکام خارجی، عدم وجود شرایط لازم برای قضاوت شرعی در قضات رسیدگی‌کننده در خارج کشور است. بدین معنا که تصدی منصب قضا امری خطیر و مهم در شرع اسلام تلقی می‌شود و فردی که به تصدی این منصب نائل است باید شرایطی داشته باشد که اهم این شرایط در فقه عبارت‌اند از: بلوغ، عقل، مذکر بودن، ایمان، طهارت مولد، عدالت، رشد، اجتهاد و ...^۲ از منظر فقها اگر قاضی واجد شرایط مذکور نباشد، حکم صادره فاقد وجهت شرعی است و از آن در فقه تحت عنوان قضات جور یاد می‌شود.^۳ از آنجا که قضات رسیدگی‌کننده در محاکم خارجی واجد شرایط فوق نیستند، حکم صادره از سوی این قبیل قضات در کشور مسلمان ایران باطل و کان‌لم‌یکن بوده و فاقد اعتبار و وجهت است. این دلیل مخالفین و دلایل پیش‌گفته تمام نیست. چون اگر دلیل عدم پذیرش اعتبار احکام خارجی این موارد باشد در خصوص تمامی جرایم وجود دارد، حال آنکه همان‌طور که خواهیم دید قانون‌گذار ایران و اکثریت فقها در خصوص برخی جرایم اعتبار احکام خارجی را مورد شناسایی قرار داده‌اند.

۲-۱-۲- موافقان اعتبار احکام خارجی

در مقابل مخالفان اعتبار احکام خارجی، گروهی از حقوق‌دانان و فقها موافق اعتبار احکام

۱. ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا (آیه ۱۴۱ سوره نساء).

۲. يعتبر في القاضى امور، الاول: البلوغ، الثانى: العقل، الثالث: الذكوره، الرابع: الايمان، الخامس: طهاره المولد، السادس: العدالة، السابع: الرشد، الثامن: الاجتهاد، بل ضبط على وجه (موسوى خوئى، ج ۴۱، صص ۱۳-۱۴).

۳. القضاة الجوراء من لم يجتمع فيهم شروط القضاء (موسوى خمينى، ج ۲، ص ۴۰۵).

خارجی هستند که در ذیل اهم استدلال‌ات این گروه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. حقوقدانان موافق اعتبار احکام خارجی به دلایل ذیل استناد جسته‌اند. یکی از دلایلی که اعتبار احکام خارجی را تأیید می‌کند اهداف سه‌گانه مجازات یعنی هدف اخلاقی، اربابی، اصلاحی است. بدین معنا و مفهوم که اخلاق حکم می‌کند هر کس مرتکب خطایی شد و زبانی به اشخاص و اجتماع وارد نمود باید به جبران آن اقدام کند و سزای عمل خویش را ببیند پس اگر شخصی به واسطه ارتکاب جرم واحدی در محکمه بیگانه تحت تعقیب و محاکمه و اعمال مجازات قرار گیرد، تعقیب و محاکمه و اعمال مجازات مجدد او باهدف اخلاقی مجازات مغایرت دارد. هدف از جنبه اربابی مجازات این که به وسیله اعمال کیفر، از طرفی خود مجرم از ارتکاب مجدد جرم دست بکشد و هم کلیه کسانی که درصدد ارتکاب جرم بوده مرعوب گردیده و اقدام به ارتکاب جرم نمایند. پس اگر هدف مجازات بازدارندگی آن باشد به این هدف با یکبار مجازات مرتکب جامه عمل پوشانده می‌شود و مجازات مجدد این فرد نه تنها جنبه بازدارندگی ندارد، بلکه سبب انزجار و تفر از قانون می‌شود. هدف اصلاحی مجازات این است که بزهکار با تحمل کیفر، تادیب و اصلاح شود و باز اجتماعی شدن او تسهیل گردد (نور بهاء ۱۳۹۰: ۳۵۵). هرگاه بزهکاری خارج از قلمرو کشور متبوع خود مرتکب جرم شود و در همان محل مورد تعقیب و محاکمه و مجازات قرار گیرد دیگر تعقیب مجدد او در داخل قلمرو ایران به واسطه صلاحیت اضافی^۱ وجهی ندارد؛ چون قانون‌گذار کشور محل محاکمه باهدف اصلاحی مرتکب را مجازات کرده و همچنین از بلا مجازات ماندن او جلوگیری کرده است. لذا تعقیب مجدد او به واسطه همان جرم با هر توجیهی که باشد مغایر هدف اصلاحی مجازات است.

دلیل دوم موافقان اینکه عدالت اقتضاء دارد که مجرم به دلیل ارتکاب جرم واحد، تنها یکبار مورد مجازات قرار گیرد و در صورتی که قبلاً به جرم او رسیدگی شده و سزای عمل خود را دیده همان رسیدگی سابق معتبر تلقی شده و کشور متبوع وی از رسیدگی مجدد به جرم او خودداری نماید. چون چنین فردی با چشیدن طعم مجازات در خارج از کشور دین خود را به جامعه ادا کرده و بازخواست مجدد وی به علت همان عمل مجرمانه، نقض صریح عدالت و انصاف به شمار می‌آید (پوربافرانی ۱۳۹۱: ۸۹).

۱. صلاحیت اضافی در حقوق داخلی عبارتست از: در خصوص ضوابطی که برای صلاحیت مراجع رسیدگی معین شده هرگاه پاره‌ای از اوضاع استثنایی اقتضا کند که به‌طور استثنایی یک مرجع رسیدگی بر صلاحیتش افزوده شود این صلاحیت افزوده را صلاحیت اضافی نامند (جعفری لنگرودی ۱۳۹۱، ج ۳: ۲۳۵۵). در عرصه بین‌الملل اصل صلاحیت سرزمینی است، بنابراین در خصوص سایر موارد صلاحیت که دولت‌ها اقدام به رسیدگی می‌کنند بحث صلاحیت اضافی یا مضاعف مطرح می‌شود.

کسی که یک جرم مرتکب شده، باید یک بار به جامعه و دستگاه دادگستری پاسخ دهد و الزام او به پاسخ به چند مرجع قضایی، هر چند هر مرجع نماینده یک جامعه باشند، امکان دفاع مناسب را به دلیل لزوم تدارک دفاع در چند محل از او سلب و احتمال صدور احکام متناقض را تقویت می کند.

بنابراین ضروری است که قاعده اعتبار امر مختوم کیفری رعایت شود و دولتی که از محاکمه پیشین متهم در دادگاه‌های کشوری دیگر از جهت همان جرم مطلع می شود، از ورود در رسیدگی جدید خودداری کند. از این رو برای رفع آثار سو این امر، قاعده منع مجازات مضاعف که خود نتیجه اعتبار قائل شدن برای احکام خارجی است در حقوق جزاء بین المللی وضع شده است.

دلیل سومی که موافقان به آن استناد می کنند، تأمین دو هدف عمده حقوق جزا بین الملل یعنی جلوگیری از عدم اعمال مجازات بر مجرمان و ممانعت از تکرار مجازات بر مجرمی که قبلاً به واسطه عمل مجرمانه خود محاکمه و مجازات شده می باشد. دو هدف یادشده مقتضی است چنانچه شخص در محل وقوع جرم محاکمه و مجازات شود، برای بار دوم در محل دیگر اعم از کشور متبوعش قابل محاکمه و مجازات نباشد. هر چند اصل صلاحیت سرزمینی و شخصی حق تعقیب و اعمال مجازات بر مرتکبین را تحت شرایطی برای کشور متبوع لحاظ کرده و باز به اعتبار متفاوت بودن برخی جرایم و مجازات‌های آن‌ها از کشوری به کشور دیگر اصولاً اعتباربخشی به احکام بیگانه را دشوار می کند (آشوری ۱۳۷۸: ۳۱۴)، ولی کشورها نزاکت بین المللی را پذیرفته و عضویت نهادها فرامرزی را مورد اقبال قرار داده و قراردادهای دو یا چندجانبه و مراودات سیاسی اجتماعی، علمی، حقوقی را نیز قبول نموده‌اند و بر این مبانی چرا و به چه دلیل، صدور حکم علیه مرتکب و اجرای آن توسط محکمه بیگانه به منزله صدور حکم و اجرا توسط کشور متبوع تلقی نگردد؟

دلیل آخر حقوقدانان موافق این است که کاربرد صحیح حقوق کیفری، مجازات مجرمان و حمایت از بی گناهان در مقابل مسئولیت کیفری است که منجر به بازجویی و تحقیق از آن‌ها است، اعمال می شود. فی الواقع رسالت بسیار مهم دادرسی‌های کیفری، پی بردن به واقعیت اصلی است، لیکن قدرت بشر دریافتن واقعیت اصلی، پی بردن به تمام واقعیت یک قضیه تا زمانی که محاکمه واقعیتهایی که در گذشته پیش آمده است، به عقب برگردد غیرممکن است. لذا حتی اگر ما حداکثر تلاشمان را با کاربرد هوش، اطلاعات و منابع مادی انجام دهیم، همواره برخی واقعیت‌ها هستند که نمی‌توانند یافت شوند. برای فائق آمدن و غلبه بر شناخت محدود

انسان وظیفه دادخواهی می‌بایست مقرر شود تا بی‌طرفی قضایی و فقدان منطق و عقلانی، اجتناب از تکرار دادرسی کیفری را تضمین کند. در مفهوم قاعده، ارزش برای ساده کردن آیین دادرسی قضایی به واسطه روش‌های ممانعت از تحقق قضاوت مکرر به منظور حفظ کردن تعادل در محدوده تمامی نظام ارزشی در آیین دادرسی کیفری است. (zhang jun, shan, changzong amaio youshui, vol 73 p.866)

در فقه اسلامی هم مواردی مشاهده می‌شود که حاکی از پذیرش اعتبار احکام خارجی است. اولین دلیل فقهای موافق اعتبار دادن به احکام خارجی سازگاری قاعده اعتبار دادن به احکام خارجی با قاعده در ا^۱ است. مفاد اجمالی قاعده آن است که در مواردی که وقوع جرم یا انتساب آن به متهم یا مسئولیت و استحقاق مجازات وی به جهتی، محل تردید و مشکوک باشد، به موجب این قاعده باید جرم و مجازات را منتفی دانست (محقق داماد ۱۳۷۹: ۴۳). در این مورد که فرد در خارج کشور مرتکب جرم شده و در همان محل ارتکاب جرم محاکمه و بعد از تحمل کیفر به کشور متبوع خود بازگشته است، قاضی کشور متبوع بر اساس قاعده در ا^۱ که آیا چنین فردی مستحق مجازات دوباره است یا نه باید از اعمال مجازات بر چنین فردی چشم‌پوشی کند.

دلیل دیگر که موافقان اعتبار احکام خارجی بدان استناد می‌کنند سازگاری اعتبار احکام خارجی با قاعده اعتبار امر مختوم کیفری است که در فقه شیعه اصل بر یک درجه بودن رسیدگی است و آرای صادره از محاکم قطعی است. از آنجا که هدف از اعتبار امر مختوم کیفری فصل خصومت است^۲ بنابراین باید احکام صادره از سوی محاکم خارجی را معتبر دانست. چون در غیر این صورت موجب تحمیل هزینه هنگفت به جامعه اسلامی و شعله‌ور شدن آتش خصومت‌های فراموش شده می‌شود (رک آقالار ثالث ۱۳۸۵: ۶۶). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اعتبار قائل شدن برای احکام صادره از سوی محکمه خارجی دارای ریشه در قواعد فقهی و هماهنگ با آن است.

۲-۱-۳- دیدگاه پذیرفته شده در فقه در خصوص اعتبار احکام کیفری خارجی

گروه سوم از فقها که در اکثریت می‌باشند با توجه به هدف از اعمال مجازات در جرایم مختلف، راه حل میانه‌ای در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار احکام خارجی برگزیده‌اند.

۱. ادرئوا الحدود بالشبهات. یعنی مجازات‌ها با واسطه شبهه ساقط می‌شوند.

۲. بل الفائدة فی قطع خصومه الخصمین لو عاود المنازعه فی تلک الواقعه.

به عبارت دیگر این گروه در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار احکام خارجی بین جرایم شرعی و جرایم غیر شرعی قائل به تفکیک و تفصیل شده‌اند و در استفتائات به عمل آمده از آن‌ها چنین نظر داده‌اند: «مجرمی که در خارج از کشور مرتکب جرم شده و مطابق مقررات همان کشور نیز محاکمه و مجازات و سپس به کشور متبوعش مراجعت شده، در جرایم مشمول حدود و قصاص قابل تعقیب و مجازات مجدد دانسته و حکم بر عدم رفع قصاص و حد از چنین فردی کرده‌اند، لیکن در جرایم مشمول تعزیر موضوع را موکول به نظر حاکم شرع نموده‌اند»^۱.

از دید این گروه از فقها احکام صادره از سوی محاکم خارجی در جرایم شرعی که شامل حدود، قصاص، دیه و تعزیرات منصوص شرعی می‌شود، حتی اگر در کشور خارجی حکم به موقع اجرا هم درآمده باشد در کشور دیگر فاقد اعتبار است و آن کشور می‌تواند مجدداً تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکب جرم که تابعیت آن کشور را دارد را انجام دهد. به عبارت دیگر این گروه معتقدند جرایم مستوجب حدود و قصاص، مجازات‌های منصوص شرعی دارند و در صورت اثبات این جرایم، الزاماً باید همان مجازات‌های منصوص در مورد آن‌ها اجرا شود و تحت هیچ شرطی نمی‌توان از اجرای آن‌ها صرف نظر کرده یا اجرای آن‌ها را منوط به تحقق شرایطی من جمله عدم محاکمه قبلی دانست. به عبارت دیگر این مجازات‌ها از سوی حکومت تعیین نشده‌اند که حکومت بتواند اجرای آن‌ها را متوقف کند یا در خصوص اجرای آن‌ها به شرط عدم محاکمه قبلی ملتزم شود.

این گروه برای توجیه استدلال خود به هدف اعمال مجازات در جرایم شرعی استناد می‌جویند. به عبارت دیگر هدف از اعمال مجازات‌های شرعی اجرای حکم خداوند است تا به وسیله آن گناه از جسم مرتکب زدوده و پاک شود. بنابراین برای تحقق این هدف اعمال مجازات فقط باید در داخل همان کشور انجام شود و در صورت اعمال مجازات در کشور دیگر (ولو آنکه کشوری اسلامی باشد) سبب تحقق این مهم نخواهد شد.^۲ فقها مستند به موازین اسلامی، دادگاه‌های کشورهای دیگر را قبول ندارند. مطابق نظر این گروه جز دادگاه‌های کشور اسلامی ایران دادگاه‌های دیگری، حتی دادگاه‌های کشورهای اسلامی همچون افغانستان، عربستان، سودان، ترکیه، عراق شایسته رسیدگی به جرایم ارتكابی را ندارند (رک پورباقرانی و بیگی ۱۳۹۲: ۷۸).

۱. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه در این خصوص استفتایی از مراجع تقلید به عمل آورده که تأییدکننده دیدگاه فوق است. (رک توجیهی، ۱۳۸۸: ۱۵۶-۱۵۷)

۲. در خصوص حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی حکم صادره از سوی محکمه خارجی اعتباری ندارد. چون این جرایم حکم خاص خداوند هستند، بنابراین نمی‌توان آن را در کشور بیگانه اجرا و از تعقیب و محاکمه و از اجرای حکم خدا در ایران چشم‌پوشی نمود. (شاکری- شیرزادی فر، ۱۳۹۳: ۱۲۵)

درست به همین دلیل است که این فقها به احکام صادره خارجی در جرایم شرعی ولو اینکه به موقع اجرا درآمده باشد اعتباری نداده و اقدام به مجازات مجدد مرتکب می کنند که موجبات اعمال مجازات مضاعف را در فقه اسلامی به وجود می آورد. سؤالی که در اینجا مطرح می شود اینکه اگر اولیای دم در خارج از کشور با قاتل بر سر گرفتن دیه مصالحه کرده و اعلام گذشت نمایند در صورت بازگشت مرتکب به کشور متبوعشان آیا می توانند تقاضای اجرای قصاص نمایند؟ به نظر می رسد با توجه به استدلال این گروه که هدف از اعمال مجازات های شرعی را اجرای فرامین الهی می دانند و اجرای این احکام را توسط کشور دیگر سبب تحقق فرامین الهی ندانسته، به نظر می رسد اولیای دم می توانند تقاضای قصاص مرتکب را در کشور متبوع خود بنمایند فقط برای اجرای قصاص اولیای دم باید وجه المصالحه دریافتی در خارج از کشور را به شخص مجرم مسترد کنند.

برخلاف جرایم شرعی در جرایم غیرشرعی که شامل تعزیرات غیر منصوص شرعی و جرایم حکومتی (بازدارنده) است، هدف از اعمال مجازات اجرای حکم خداوند نیست، بلکه هدف از اعمال مجازات در این قبیل جرایم اصلاح و تهذیب مرتکب و ارعاب دیگران است تا با اعمال مجازات دیگر مرتکب جرم نشوند. (رک شاکری و شیرزادی فر ۱۳۹۳: ۱۲۵). اگر پذیرفته شود که هدف از اعمال مجازات در این قبیل جرایم اصلاح مرتکب است، به این هدف ولو با اعمال مجازات در خارج از کشور نیز جامعه عمل پوشانده می شود و نه تنها جنبه اصلاحی بر اعمال مجدد مجازات مترتب نیست، بلکه عملی خلاف عدالت و انصاف است که سبب انزجار مرتکب و حتی دیگران از اعمال مجدد مجازات می شود. بنابراین اکثریت فقها معتقدند که احکام صادره از سوی محاکم خارجی در خصوص جرایم تعزیری در صورتی که حکم به موقع اجراء درآمده باشد، اعتبار دارد و با پذیرش و به رسمیت شناختن حکم صادره و اجراء از محاکمه، تعقیب و مجازات مجدد فرد برای همان جرم ارتكابی چشم پوشی نمایند.

۲-۲- دیدگاه حقوق کیفری ایران در خصوص احکام کیفری خارجی

در خصوص دیدگاه قانون گذار ایران در خصوص اعتبار احکام خارجی در خصوص صلاحیت جهانی^۱ در ماده ۹ بدان اشاره شده است. این ماده مقرر می دارد: «مرتکب جرایمی که

۱. در خصوص تعریف صلاحیت جهانی گفته شده: همه دولت ها به موجب حقوق بین المللی حق اعمال صلاحیت کیفری بر مجرمان (بین المللی) را داشته باشند (Meron 1995: 57) به عبارت دیگر اصل صلاحیت جهانی نشان دهنده وجه اشتراک جامعه جهانی در اعلام انزجار از برخی اعمالی است که در گوشه و کنار جهان ارتکاب می یابند و احساسات همه افراد بشر را صرف نظر از تابعیت مرتکب و مجنی علیه و محل وقوع آن جریحه دار می سازند (پورباقرانی ۱۳۹۱: ۱۶۰).

به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد». همانطور که از متن ماده فهمیده می‌شود در مورد مذکور بین صلاحیت کشورها و مراجع بین‌المللی کیفری (دیوان کیفری بین‌المللی) تعارض مثبت صلاحیت ایجاد می‌شود. بدین معنا و مفهوم که دولت ایران ممکن است بخواهد و بتواند این قبیل متهمان را که مبادرت به نقض جرایم موضوع ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی شده‌اند مورد محاکمه قرار دهد (گلدوزیان ۱۳۹۳: ۴۸). در خصوص اعتبار احکام خارجی صادره از سوی دادگاه خارجی در برخی کشورها برای اجرای اصل صلاحیت جهانی، شرایطی از قبیل عدم رسیدگی قبلی، نداشتن اعتبار امر مختومه، نبودن صلاحیت برتر و ... شرط شده است (زراعت ۱۳۹۲: ۶۲)، حال آنکه هیچ‌یک از این شروط که ضروری هم به نظر می‌رسد، در قانون ایران دیده نمی‌شود. مطابق قانون ما صرف وجود سه شرط برای محاکمه و مجازات متهم در ایران کافی است. نخست اینکه قانون خاص یا عهدنامه و مقررات بین‌المللی چنین اجازه‌ای را داده باشند. دومین شرط یافت شدن مرتکب جرم در ایران می‌باشد و شرط آخر عمل ارتكابی مطابق قانون ایران واجد وصف مجرمانه باشد.^۱ این بدان معناست که قانون‌گذار مشخص ننموده در صورتی که فرد در کشور دیگر مجازات شود تا چه حد این حکم قابل احترام بوده و از مجازات مضاعف مرتکب جلوگیری می‌کند. لیکن به نظر می‌رسد در این فرض باید میان دو حالت قائل به تفکیک شد. حالت اول اینکه مرتکب جرم جهانی نه تابعیت ایرانی داشته باشد و نه جرم در سرزمین ما واقع شده باشد و نه منافع کشور ما را تهدید کرده باشد که در این فرض در صورت اعمال مجازات در یکی از کشورهای متعاقد، اعمال مجازات مجدد توسط کشور ما، با توجه به قاعده منع تکرار مجازات ممنوع است. از سوی دیگر در صلاحیت جهانی به صرف شروع محاکمه از سوی دادگاه کشوری، سایر دادگاه‌ها ممنوع از رسیدگی و محاکمه خواهند بود. بدین معنا که به صرف شروع محاکمه، قضیه اعتبار امر مختوم کیفری پیدا می‌کند. بنابراین دیگر موجباتی برای مجازات مضاعف ایجاد نمی‌شود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه هرگاه جرم ارتكابی که بنا بر صلاحیت جهانی مورد رسیدگی دادگاه خارجی قرار گرفته مطابق قانون ایران مشمول عنوان حد محاربه یا افساد فی الارض قرار گیرد، در صورتی که فرد مرتکب (غیر ایرانی) بعد از تحمل مجازات کشور خارجی در ایران یافت شود، آیا محاکم ایران حق

۱. چون در حقوق ایران نص قانونی که راجع به جرم جهانی تحت عنوان فوق جرم انگاری کرده باشد، وجود ندارد نظام حقوق کیفری ما در این خصوص دارای کاستی‌هایی می‌باشد.

رسیدگی به این جرم را بنا بر صلاحیت جهانی خواهند داشت؟ مثلاً یک فرد افغانی در کشور پاکستان مرتکب جرم نسل‌کشی شود، اگر به جرم این فرد در کشور هند بنا بر صلاحیت جهانی رسیدگی شده باشد، آیا محاکم ایران می‌توانند با این استدلال که جرم ارتكابی از جرایم حدی (مثلاً افساد فی الارض)^۱ است مجدداً به جرم ارتكابی رسیدگی نمایند؟

به نظر می‌رسد که پاسخ سؤال فوق منفی باشد و حتی درجایی که جرم جهانی ارتكابی مطابق قانون ما در زمره جرایم حدی قرار گیرد، دولت ایران حق رسیدگی مجدد به آن جرم را نخواهد داشت. زیرا عمده دلیلی که حقوقدانان معتقدند، در جرایم شرعی احکام خارجی دارای اعتبار نیست، استناد به صراحت مفاد تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی^۲ ۱۳۹۲ است که مقرر می‌دارد: احکام خارجی صادره از سوی محاکم خارجی در مورد جرایمی با مجازات تعزیر منصوص شرعی، حتی اگر مجازات آن‌هم در خارج کشور به اجرا درآمده باشد، اعتبار ندارد، چون مقنن در این ماده قانونی به صراحت مقرر داشته است که اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده ۸ و ... شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود. (شاکری و شیرزادی فر ۱۳۹۳: ۱۱۸-۱۱۹). حال آنکه این ماده هیچ اشاره‌ای به ماده ۹ در خصوص صلاحیت جهانی نکرده است و این سکوت مقنن در مقام بیان، بیان است. یعنی مقنن نخواسته در جرایم حدی مطابق صلاحیت جهانی مجدداً به جرم ارتكابی رسیدگی کند. همچنین اصولی نظیر تفسیر مضیق، تفسیر به نفع متهم و احترام به قاعده منع مجازات مضاعف اقتضاء دارد که کشور ما از رسیدگی مجدد به جرم جهانی خودداری نماید. آخرین استدلالی که در تأیید این نظر می‌توان مطرح نمود اینکه حکم تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی برخلاف قاعده منع مجازات مضاعف و استثنایی می‌باشد، فلذا باید مضیق تفسیر شده و فقط در مواردی که نص صریح راجع به آن وجود دارد اکتفا شود (شاکری و شیرزادی فر ۱۳۹۳، ۱۱۷-۱۲۶).

فرض دوم ناظر به حالتی است که مرتکب جرم جهانی دارای تابعیت ایرانی باشد که به نظر می‌رسد در صورتی که جرم ارتكابی از زمره جرایم تعزیری (تعزیرات غیر منصوص شرعی و

۱. در اینجا شاید گروهی استدلال کنند که جرم حدی محاربه در چارچوب حاکمیت کیفری جمهوری اسلامی ایران معنا پیدا می‌کند. بدین معنا و مفهوم که به دست گرفتن سلاح برای برهم زدن نظم و امنیت عمومی ایران مطابق قانون ما واجد عنوان محاربه می‌باشد و جرم جهانی ارتباطی با حقوق کیفری ایران پیدا نمی‌کند. بنابراین برای مصون ماندن از این ایراد مصداقی که برای سوال مطرح شده تحت عنوان جرم افساد فی الارض آمده است. چون امکان تحقق جرم افساد فی الارض (مندرج در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی) که از زمره جرایم حدی است در کشورهای دیگر (غیر از کشور ایران) به‌ویژه در کشورهای اسلامی به‌روشنی قابل تصور است.

۲. در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ آمده است: اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.

تعزیرات غیرشرعی یا همان جرایم بازدارنده سابق) باشد، محاکم داخلی حق رسیدگی مجدد به جرم او را نخواهند داشت. چون مقنن در ماده ۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزهکار به طور کامل قاعده منع مجازات مضاعف را پذیرفته و در بند «ب» این ماده آورده: «در صورتی که فرد به علت ارتکاب جرم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد». بنابراین اگر شخص ایرانی مرتکب جرم جهانی، توسط دادگاه خارجی محاکمه و مجازات شود، دیگر محاکم داخلی حق رسیدگی به جرم او را نخواهند داشت. البته جا داشت قانون‌گذار ایران به جای عبارت «کشور محل وقوع جرم» از عبارت «دادگاه صالح خارجی یا بین‌المللی» استفاده می‌نمود تا در صورتی که فرد در محکمه‌ای غیر از محکمه کشور محل وقوع جرم که صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی را داشته، محاکمه و مجازات شده و سزای عمل خود را چشیده، بتواند از اعمال مجازات مجدد بر خود اجتناب نماید (سلیمی ۱۳۹۳، ۳۵-۳۶)، لیکن اگر جرم جهانی ارتكابی توسط شخص ایرانی واجد عنوان حد (مثلاً افساد فی الارض) شود، مستفاد از تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته اطلاق مقررات بند «ب» ماده ۷ شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که مقنن ایران در خصوص جایی که جرم جهانی واجد عنوان حد بوده و مرتکب شخص ایرانی باشد، به طریق اولی برای احکام صادره از سوی دادگاه خارجی اعتباری قائل نمی‌شود. بنابراین در این فرض حتی اگر مرتکب در کشور خارجی محاکمه و مجازات شده باشد محاکم داخلی حق رسیدگی مجدد به جرم او را بنا بر صلاحیت شخصی دارند، ولو اینکه کشور ما در عهدنامه‌های بین‌المللی پذیرفته باشد که مرتکب این جرایم که از زمره جرایم بین‌المللی هستند، در هر کشوری که یافت شدند محاکمه شوند.^۱

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه آیا اعتبار احکام دادگاه‌های خارجی در صورت وجود سایر شرایط (نظیر تعزیری بودن عمل ارتكابی و اجرای مجازات در صورتی که مرتکب ایرانی باشد و در صورت غیر ایرانی بودن اجرای مجازات ولو آنکه جرم ارتكابی حدی باشد) شامل دیوان کیفری بین‌المللی نیز می‌شود؟ به عبارت دیگر با توجه به اینکه دولت ما اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را به تصویب مرجع قانون‌گذاری خود نرسانیده است، آیا آراء صادره از سوی این مرجع در خصوص جرم جهانی در کشور ایران دارای اعتبار است؟ قانونگذار ایران در خصوص این مورد

۱. در روابط بین‌المللی اعتبار عهدنامه بیش از قانون داخلی است و علی‌القاعده دولت نباید با وضع قانون معارض، عهدنامه را یک جانبه محدود کند با این وصف چنانچه قانون معارض با عهدنامه وضع شد، دادگاه‌ها نمی‌توانند آن قانون را به دلیل معارض بودن با عهدنامه اجراء نکنند چون دادگاه‌ها باید آخرین اراده قانونگذار را به اجراء گذارد (صالح احمدی ۱۳۹۲: ۶۷).

سکوت اختیار نموده است، لیکن به نظر می‌رسد پاسخ سؤال فوق مثبت باشد. بدین معنا و مفهوم که هر چند اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به تصویب مجلس قانون‌گذاری ایران نرسیده است، لیکن ما این مرجع را به‌عنوان یک مرجع بین‌المللی صالح در رسیدگی به جرایم بین‌المللی مورد شناسایی قرار داده‌ایم فلذا به احکام صادره از سوی این مرجع اعتبار می‌دهیم.^۱

به نظر می‌رسد پذیرش اعتبار احکام خارجی در صلاحیت جهانی حتی در جرایم شرعی مخالفتی با موازین فقهی ندارد؛ مثلاً در خصوص قصاص در آیه‌ای از قرآن آمده است: «هر کس به جای قصاص به صدقه (دیه) راضی شود نیکی کرده و چنین عملی کفاره گناه او به حساب خواهد آمد».^۲ همانطور که ملاحظه می‌شود گذشت از اجرای قصاص به‌عنوان اصل تشویقی مطمح نظر است و با توصیف «نیکی» از آن، به‌عنوان کفاره گناه نیز تلقی شده تا ذی‌حق حتی در موارد «استحقاق» باهدف اتصاف به نیکی از یک‌طرف و برخورداری از عامل زایل‌کنندگی گناه از طرف دیگر نیز به‌جای توسل به انتقام، بخشش را برگزیده و به تعقیب و مجازات مرتکب بر نیاید پس به‌طریق اولی فراتر از استحقاق مرتکب درجایی که فرد در خارج از کشور سزای عمل خود را دیده مجوزی برای مجازات مجدد چنین فردی در داخل کشور متبوع مرتکب وجود نخواهد داشت. در خصوص حدود هم خداوند متعال مبنا را بر بزه‌پوشی قرار داده تا مرتکب جرم با اظهار ندامت و توبه بین خود و خدایش از مجازات رهایی یابد. بنابراین در فرضی که فردی مرتکب جرمی جهانی شود که مطابق قانون ما مشمول عنوان حد باشد در صورتی که مرتکب در خارج از کشور محاکمه و مجازات شده و سزای عمل خود را چشیده باشد، دیگر محملی برای عدم اعتبار حکم محکمه خارجی وجود نخواهد داشت تا به استناد آن بتوان دوباره آن را محاکمه و مجازات کرد. همانطور که مشاهده می‌شود، اعتبار احکام دادگاه‌های خارجی که مطابق صلاحیت جهانی اقدام به رسیدگی به جرم ارتكابی می‌کنند، حتی در فرضی که جرم ارتكابی از منظر قانون ما واجد عنوان حدی باشد، مانعی در پذیرش اعتبار آن وجود نخواهد داشت.

آخرین سؤالی که می‌توان مطرح کرد اینکه آیا مرتکب جرم جهانی می‌تواند برای فرار از

۱. البته شاید گروهی مخالف دیدگاه فوق باشند و این طور استدلال کنند که حکم صادره از سوی دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص جرم جهانی در ایران اعتبار نخواهد داشت و محکمه داخلی حق تعقیب و مجازات مجدد مرتکب را خواهند داشت؛ چون کشور ایران اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را به تصویب سامانه قانونگذاری خود نرسانیده، بنابراین خود را ملزم به اعتبار قائل شدن برای احکام صادره از سوی این مرجع نمی‌داند. لیکن به نظرمی رسد از آنجایی که این مرجع به عنوان مرجع صالح برای رسیدگی به جرایم جهانی شناخته شده است، دیدگاه اول، صحیح‌تر می‌باشد.

۲. «... فمن تصدق به فهو كفارة له» آیه ۴۵ سوره مائده.

مجازات به جهل خود استناد کند؟ به نظر می‌رسد در این مورد باید تابع عموماً حقوق جزا بود. بدین معنا که هرگاه جرم جهانی از زمره جرایم ذاتی نظیر نسل‌کشی، دزدی دریایی و ... باشد ادعای جهل (حکمی) فرد قابل‌پذیرش نخواهد بود؛ اما گاهی ممکن است که کشوری جرمی را در زمره جرایم جهانی تلقی کند، حال آنکه آن جرم از زمره جرایم ذاتی نباشد؛ مثل آلودگی محیط‌زیست در سطح وسیع که در این مورد مرتکب می‌تواند ادعای جهل به حکم کند که این مورد خود به دودسته تقسیم می‌شود. حالت اول شامل موردی است که مرتکب در دادگاه ادعا می‌کند که نمی‌دانسته عمل ارتكابی آن جرم جهانی بوده و هر کشوری حق محاکمه وی را دارد. در این مورد همان‌طور که اشتباه در میزان مجازات جرم تأثیری بر حال مرتکب جرم ندارد، عدم آگاهی از جرم جهانی بودن تأثیری بر حال مرتکب ندارد. لیکن این ادعا که فرد اساساً نمی‌دانسته عمل ارتكابی وی جرم است باید در دادگاه بررسی شود. بدین معنا که گاهی بین جرایم جهانی هم جرم قراردادی مشاهده می‌شود. پس در اینجا باید بین جهل قصوری و تقصیری مرتکب قائل به تفکیک شد. هرگاه جهل فرد قصوری باشد یعنی به سبب وجود قوه قاهره، فاعل قادر به دریافت حکم اصلی نباشد، در این فرض اگر مدعی بتواند در دادگاه دلیلی بر جهل خود اقامه کند باید ادعای او را پذیرفت (ساولانی ۱۳۹۱: ۲۷۰)؛ اما اگر جهل تقصیری باشد، یعنی فاعل در دریافت حکم کوتاهی کند، تأثیری در مسئولیت فرد ندارد (کلانتری و شیرزادی فر ۱۳۹۳: ۸۲). گاهی جهل فرد جهل موضوعی است. یعنی فرد با بمب‌گذاری در شهر همه مردم را کشته، لیکن ادعا کند که فکر می‌کرده این افراد قبلاً مرده‌اند. جهل موضوعی عنصر روانی جرم را در جرایم عمدی زایل می‌کند.

نتیجه‌گیری

در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار احکام خارجی صادره از سوی دادگاه‌های خارج از کشور در جرایم جهانی باید گفت چنانچه جرم ارتكابی از جمله جرایمی باشد که دولت‌ها راجع به آن صلاحیت جهانی دارند، ولو اینکه آن جرم دارای عنوان حد (مثلاً افساد فی الارض) باشد در صورتی که دادگاه‌های خارجی یا دیوان کیفری بین‌المللی به جرم رسیدگی کرده و فرد را مجازات کرده باشند محاکم ایران بنا بر اصل صلاحیت جهانی حق رسیدگی به این جرم را نخواهند داشت. این امر به‌خوبی از عدم ذکر ماده ۹ در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی استنباط می‌شود. مطابق مقررات فوق قانون‌گذار علاقه‌ای به رسیدگی مجدد به جرم جهانی ولو اینکه در زمره جرایم مشمول حد باشد ندارد. از سوی دیگر خلاف قاعده بودن

تبصره ۲ ماده ۱۱۵ لزوم تفسیر مضیق آن را اقتضا می‌کند، بنابراین باید به موضع نص بسنده شود و از تسری آن به موارد مشابه خودداری گردد.

لیکن هرگاه مرتکب جرم جهانی مشمول عنوان حد، ایرانی باشد؛ در صورتی که در محکمه خارجی به جرم او رسیدگی شده و مجازات را تحمل کند در صورتی که این فرد در ایران یافت شود، محاکم ایران می‌توانند به جرم او رسیدگی کنند. در اینجا دادگاه‌های ایران بنا بر صلاحیت شخصی و نه صلاحیت جهانی مجدداً به جرم ارتكابی رسیدگی می‌کنند. همچنین مرتکب جرم جهانی می‌تواند برای فرار از مجازات به جهل خود استناد کند و جهل حکمی در جرایم قراردادی در صورتی که قصوری بوده و جهل موضوعی در صورت اثبات در دادگاه، دفاع محسوب می‌شوند.

اگرچه پذیرش اعتبار احکام خارجی صادره مطابق صلاحیت جهانی ممکن است ظاهراً با تعالیم فقهی ما ناسازگار باشد، ولی این امر را می‌توان با پذیرش احکام ثانوی حل نمود؛ مثلاً در فقه ما می‌توان مواردی مشاهده کرد که حاکی از چشم‌پوشی از مجازات افراد حتی در فرض استحقاق می‌باشد؛ بنابراین درجایی که فرد سزای عمل خود را چشیده بر مجازات مجدد وی هیچ فایده‌ای مترتب نخواهد بود.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نواقص و کاستی‌هایی دارد؛ اولاً در برخی کشورها برای اجرای اصل صلاحیت جهانی، شرایطی از قبیل عدم رسیدگی قبلی، نداشتن اعتبار امر مختومه، نبودن صلاحیت برتر و ... برقرار نموده‌اند، حال آنکه هیچ‌یک از این شروط که ضروری هم به نظر می‌رسد، در قانون ما دیده نمی‌شود. ثانیاً درجایی که مرتکب جرم جهانی مشمول حد شخص ایرانی است، رسیدگی مجدد به جرم وی با توجه به پذیرش دامنه وسیع اصل صلاحیت شخصی در کشور ما سبب ایجاد مجازات مضاعف می‌شود که موجبات قرار گرفتن کشور ما در لیست ناقضین حقوق بشر در جوامع بین‌المللی را فراهم می‌کند.

ثالثاً با توجه به پیشرفت روزافزون وسایل ارتباطی که سبب ارتباط تنگاتنگ بین کشورها شده، جا داشت قانون‌گذار ما علاوه بر صلاحیت جهانی در صلاحیت‌های دیگر به حکم محکمه خارجی در جرایم شرعی (حدود، قصاص و دیات) اعتبار دهد تا مانع اعمال مجازات مضاعف مرتکبین در این جرایم شود. شاید در خصوص جرایم شرعی به‌ویژه حدود ایراد شود که اولاً این جرایم دارای مجازات خاص و ثابت هستند؛ ثانیاً خیلی از عناوین جرایم حدی نظیر قذف قابل انطباق با جرایم مندرج در کشورهای خارجی نیستند، لیکن با توجه به پیشرفت روزافزون جوامع و ارتباط تنگاتنگ فی‌مابین کشورها که یکی از تجلی بارز این ارتباط احترام به احکام



صادر از دادگاه‌های خارجی است و سازگاری پذیرش اعتبار احکام خارجی (ولو در حدود) با مصلحت جهانی نظام کیفری ایران تا از انتقادات اغلب مغرضانه مصون بماند، پذیرش این امر را توجیه می‌کند.

منابع

الف) فارسی

- قرآن کریم.
- آشوری، محمد (۱۳۷۸)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- آقلازئال، سامان (۱۳۸۵)، *قاعده منع تعقیب، محاکمه و مجازات مجدد در حقوق جزای بین‌المللی ایران*، دانشگاه مازندران.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۱)، *حقوق جزاء بین‌الملل*، تهران: انتشارات جنگل، نوبت چهارم.
- پوربافرانی، حسن و فاطمه بیگی حسن (۱۳۹۲)، «اعمال قاعده منع محاکمه مجدد در جرایم مستوجب مجازات‌های شرعی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، شماره اول.
- توجهی، عبدالمهدی و مهدی قربانی (۱۳۸۸)، «منع مجازات مضاعف، آراء، مبانی و ادله موافقان و مخالفان بامطالعه تطبیقی در آراء مراجع عظام تقلید»، پژوهشنامه حقوق اسلامی.
- خالقی، علی (۱۳۸۳)، «انتقال محکومان تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۱)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوقی*، دوره ۵ جلدی، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۹۱)، *اندیشه‌های حقوقی ۲ (مجموعه مقالات حقوق کیفری عمومی)*، چاپ اول.
- حسینی نژاد، حسنقلی (۱۳۹۱)، *حقوق کیفری بین‌المللی*، تهران: نشر میزان.
- خالقی، علی (۱۳۹۲)، *جستارهایی از حقوق جزاء بین‌الملل*، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ سوم.
- خلیلیان، خلیل (۱۳۹۲)، *دیوان بین‌الملل کیفری در یک نگاه و اساسنامه آن*، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲)، *شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول.
- ساولانی، اسماعیل (۱۳۹۱)، *حقوق جزا عمومی*، تهران: انتشارات دادآفرین، چاپ اول، بهار.
- سلیمی، صادق (۱۳۹۳)، *چکیده حقوق جزایی عمومی*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ چهارم.

- شکر، رضا- سیروس، قادر (۱۳۸۹)، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*، تهران: نشر مهاجر، چاپ نهم.
- شاکری، ابوالحسن و فرشاد شیرزادی فر (۱۳۹۳)، «بررسی عدم پذیرش اعتبار احکام کیفری کشورهای خارجی در تعزیرات منصوص شرعی در حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی.
- شیرزادی فر، فرشاد، (۱۳۹۳)، *نوآوری‌های قانون جدید مجازات اسلامی در خصوص اعتبار احکام خارجی*، دانشگاه مازندران.
- صالح احمدی، سحر (۱۳۹۲)، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، موسسه گام حق، چاپ چهارم.
- کلاتری، کیومرث (۱۳۷۵)، *اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها*، نشر دانشگاه مازندران.
- کلاتری، کیومرث و فرشاد شیرزادی فر (۱۳۹۳)، «قتل ناشی از شبهه در هدف با نگاهی به قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳)، *محتشای قانون مجازات اسلامی*، تهران: انتشارات مجد.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۰)، *قواعد فقه بخش جزایی*، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوم.
- نور بهاء، رضا (۱۳۹۰)، *زمینه حقوق جزاء عمومی*، کتابخانه گنج دانش.

ب) منابع عربی

- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ه.ق)، *مبانی تکمله المنهاج*، ج ۲، موسسه احیا آثار الامام الخویی ره، چاپ اول، قم.
- موسوی خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، ج ۲، موسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول، قم.

ج) انگلیسی

- Broadbridge, Sally (2009), *Home Affairs Section*, "Double jeopardy", 27 January.
- Meron, Theodor (1995), "international criminalization of internal atrocities", *American journal of international law*, vol 89.
- Zhang Jun, Shan Changzong, Maio You Shui, (2002) "China's theory and practice on ne bis in idem", *International review of penal law*, vol 73, p 865-872.

